

سلماس
در دوران مشروطیت
(۱۲۸۵-۱۲۹۰ ش)

دکتر توحید ملک‌زاده دیلمقانی

www.ketab.ir

سرشناسه	ملک‌زاده دیلمقانی، توحید، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	سلماس در دوران مشروطیت (۱۲۸۵-۱۲۹۰ش) / توحید ملک‌زاده دیلمقانی.
مشخصات نشر	ارومیه: آینا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۴۶۵ ص: مصور.
شابک	978-600-8161-39-04
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	سلماس -- تاریخ
	Salmas (Iran) -- History
	سلماس -- تاریخ -- قرن ۱۳ق.
	-- History -- 19th century Salmas (Iran)
	ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ق. -- سلماس
	Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906 - 1909 -- Salmas
رده بندی کنگره	DSR۲۰۹۵
رده بندی دیویی	۹۵۵/۳۳۲
شماره کتابشناسی ملی	۸۷۳۲۵۴۰



سلماس در دوران مشروطیت
(۱۲۸۵-۱۲۹۰ش)

نویسنده: دکتر توحید ملک‌زاده دیلمقانی

صفحه آرای: میلاد تیموری (تیمور)

چاپ اول: آینا اورمیه، ۱۴۰۱

قطع: رقعی / ۴۶۵ صفحه

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۶۱-۳۹-۴

قیمت: ۱۱۵۰۰۰ تومان

ارومیه - خیام جنوبی، سنگفرش، کوی تربیت، پلاک ۳، واحد ۵، انتشارات آینا

تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۵۶۵۱۰

مرکز پخش: اورمیه - خیابان باکری، کوی وکیل باشی، پلاک ۵۷

تلفن: ۰۹۱۴۷۲۵۹۱۷۱ و ۰۴۴-۳۲۳۴۳۷۳۰

فهرست

مقدمه	۱۷
فصل اول: تاریخچه دیلمان	۲۷
دیلمقان مرکز ولایت سلماس دوره قاجاریه	۲۷
دیلمقان/ دیلمان مرکز ولایت سلماس	۲۸
ایتمولوژی دیلمقان/ دیلمان	۳۰
حصار و دروازه های دیلمقان	۳۱
کهنه شهر امروزمین همان سلماس قدیم (قلعه سلماس) می باشد؟	۳۱
دیلمقان و کهنه شهر قدیم از منظر خاطرات و نوشته های قدیمی	۳۵
ک) دیلمان در خطرات شرف الدین میرزا قهرمانی	۴۷
نابودی دیلمقان	۴۷
فصل دوم: سلماس قبل از مشروطیت	۴۹
تفاوت پیشرفت فرهنگ در آذربایجان دو سوی ارض	۵۲
کمیته اجتماعیون - عامیون	۵۴
انجمن سعادت آذربایجانیان در استانبول:	۵۵
سلماسی ها در استانبول و عثمانی	۵۶
انجمن مشروطه خواهان سلماس:	۵۶
تاخت و تاز دوباره شکاکها در آستانه مشروطیت و تهاجمات آنها به سلماس	۵۷
پیشکاری نظام السلطنه مافی در آذربایجان	۵۸
درگیری های پدر و پسر: جعفرآقا و محمدآقا	۵۸
نامه بشیرالسلطنه در مورد جعفرآقای شکاک:	۶۱
چهریق در آستانه مشروطیت	۶۲

حکم اعطای تیول عشایر شکاک به مجدالسلطنه از طرف محمدعلی میرزا	
ولیعهد و والی آذربایجان	۶۳
جعفر آقا شکاک	۶۵
ارتباط جعفر آقا با روسها	۶۸
کشته شدن جعفر آقا شکاک در تبریز	۶۸
فصل سوم: سلماس در دوران مشروطیت	۸۱
مقدمه :	۸۱
سلماس و دوره مشروطیت	۸۱
اوضاع سلماس حین اعلان مشروطیت	۸۳
مشروطه خواهان سلماسی	۸۳
فعالیت سلماسی ها در مشروطیت	۸۷
تاسیس انجمن ولایتی سلماس	۸۸
انتخاب میرزا محمود سلماسی به وکالت انجمن ایالتی از اورمیه	۸۹
انجمن های ولایات محلی برای دادخواهی	۹۰
شرارت اکراد در سلماس	۹۲
جنگهای مشروطه خواهان با سیمیتقو در اوربان	۹۳
حملات و غارت سلماس توسط اکراد مهاجم	۹۹
بسته شدن قرائتخانه در سلماس	۱۰۳
بازتاب مرگ شیخ صدیق و ظلم وی به تجار سلماسی	۱۰۳
حملات اکراد به روستای آغ اسماعیل سلماس	۱۰۶
تسلیم دوباره سیمیتقو	۱۰۹
تحركات عثمانی ها در مناطق غربی سلماس	۱۱۰
اخبار ارومیه	۱۱۱
اعتراض به برقراری مالیات سنگین برای سلماس	۱۱۳

- شورش در سلماس به سبب کمبود نان ۱۱۴
- هیئت صلحیه در غرب آذربایجان و سلماس ۱۱۴
- تعدیات سیمیتقو در خوی و اعطای حکومت قطور به وی ۱۱۵
- جلسه در خوی برای بررسی مساله تعدیات سیمیتقو ۱۱۶
- سفر آقا میرزا جواد نماینده انجمن ایالتی آذربایجان به سلماس ۱۱۷
- نتایج سفر حاجی ناطق به سلماس ۱۲۰
- انتخاب حاجی حسین آقا تاجر دیلمقانی به عضویت انجمن اورمیه ۱۲۱
- پناهندگی عده ای از اهالی موانای اورمیه به کنسولگری روسیه ۱۲۱
- از پاییز ۱۲۸۶: تغییر رفتار محمدعلیشاه نسبت به مجلس ۱۲۲
- مشق مجاهدین مشروطه خواه سلماسی ۱۲۳
- ماجرای کشته شدن حاجی عباس سلماسی ۱۲۴
- دادخواهی اهالی سوکمان خوی از حاجی پیشماز سلماسی ۱۳۵
- نامه ای در تشکر از روزنامه مجاهد به قلم سعید خلیل زاده سلماسی ۱۳۶
- انعکاس قشونکشی عثمانی به غرب آذربایجان در مطبوعات ۱۳۸
- گزارشاتی از ناامنی در سلماس ۱۴۰
- جمع آوری اعانه از سلماس برای مستمندتان خوی ۱۴۴
- گزارشی از تهاجمات اکراد شکاک به سلماس ۱۴۵
- خبر افتتاح مطبوعه میرزا سعید سلماسی (۱۲ آبان ۱۲۸۶) ۱۴۷
- « خلاصه مذاکرات مجلس دارالشوری درباره اوضاع سلماس و غرب آذربایجان ۱۴۷
- اخبار اقدامات عثمانی در غرب آذربایجان ۱۴۹
- مکتوبی از یک تاجر سلماسی ۱۵۰
- گزارشی از منابع روسی درباره ناامنی راههای سلماس ۱۵۲
- ورود عسگرهای عثمانی به سلماس ۱۵۲
- گزارشی از اقدامات دولت در امن کردن راههای سلماس ۱۵۳

- گزارشات رئیس گمرک درباره اوضاع نابسامان سلماس ۱۵۵
- خلاصه مذاکرات دارالشوری درباره سلماس و غرب آذربایجان ۱۵۶
- ترجمه راپرت رئیس گمرک ارومیه درباره حملات اکراد ۱۵۸
- ادامه گزارشات از نابسامانی امور سلماس، خوی و ارومیه ۱۵۹
- « فریاد آذربایجان ۱۶۰
- « تلگراف از خوی ۱۶۲
- برگزاری موفقیت آمیز امتحان در مدرسه سعیدیه سلماس ۱۶۳
- تلگراف محتشم السلطنه از سلماس درباره اوضاع بد سلماس ۱۶۳
- تلاش برای ساماندهی امور عشایر سلماس (۱۷ خرداد ۱۲۸۷) ۱۶۴
- ۱۶ خرداد ۱۲۸۷: زلزله در سلماس ۱۶۴
- تعدیات شکاک به احشام قره قشلاق و کنگرلوی سلماس ۱۶۴
- گزارش تأسیس «شورای ایران» میرزا سعید سلماسی در تبریز ۱۶۵
- شورش اکراد در سلماس و تسلیم سیمیتقو در خوی ۱۶۶
- گرفتن قلعه چهریق از عشایر کارداو و تحریک به عبدویی ها ۱۶۷
- کاردارها طرفدار مشروطه، مامدی و عبدوییها طرفدار سردار ماکو ۱۶۸
- تحرکات عثمانی در سلماس و غرب آذربایجان ۱۶۹
- اقدامات عثمانی برای بستن راه ارومی به سولدوز ۱۶۹
- اقدامات دوباره عثمانی در غرب آذربایجان ۱۷۰
- فصل چهارم: سلماس در استبداد صغیر** ۱۷۱
- مجلس در تهران به توپ بسته می شود: آغاز استبداد صغیر ۱۷۱
- از شیراز به تبریز (۲۲ خرداد) ۱۷۲
- سلماس پس از به توپ بستن مجلس ۱۷۳
- استبداد در سلماس و حکومت سردار ماکو در خوی و سلماس ۱۷۳
- میرزا سعید سلماسی در استانبول: ۱۷۶

- اختلافات داخلی عشایر شکاک ۱۷۸
- حکمرانی مستبدین در دیلمقان و کهنه شهر ۱۷۸
- ممانعت سلماسی ها از ورود اردوی ماکو ۱۸۱
- میرزا سعید سلماسی و عمر ناجی بیگ ۱۸۲
- مشروطه خواهان در جنگهای داخلی پیروز می شوند ۱۸۴
- تصرف دوباره سلماس توسط مشروطه طلبان ۱۸۴
- تصرف سلماس از طرف حاج پیش‌نماز آقا و فرار مستبدین (۱۲۸۷) ۱۸۶
- محمدعلیشاه اختیارات سردار ماکو را بیشتر می کند ۱۸۸
- تبعات آزادی سلماس ۱۸۹
- تلاش مستبدین برای تصرف دوباره سلماس ۱۹۰
- آزادسازی خوی توسط حیدرخان عموغلی ۱۹۶
- اوضاع خوی، طرد و اخراج ماکوئی ها از خوی و تصرف آنجا به دست مجاهدان ۱۹۸
- عکس العمل دولتیان در برابر پیشروی مشروطه خواهان ۲۰۰
- ادامه جنگ‌های مجاهدان در اطراف خوی با مستبدین و اکراد ۲۰۲
- کمک مالی انجمن به کهنه شهر ۲۰۳
- تعیین سعیدالممالک به حکومت سلماس ۲۰۳
- درخواست انجمن سلماس جهت مجانی نمودن تلگرافاتشان ۲۰۴
- مقدمه چینی روسها برای اشغال آذربایجان ۲۰۴
- افتتاح دفتر اعانه جهت غارت شدگان تبریز در استانبول ۲۰۵
- گزارشی از حضور حاجی پیش‌نماز و هم‌زمانش در جنگهای تبریز ۲۰۵
- ادامه فعالیت مطبوعه امید ترقی در تبریز ۲۰۶
- مقدمات آمدن قشون سلماس برای رفع محاصره تبریز ۲۰۶
- ادامه ناامنی در منطقه توسط اکراد ۲۰۷
- اجلاس مشروطه خواهان در سلماس برای آزادی خوی ۲۰۸

- عزیمت سعید سلماسی و همراهان به جبهه خوی..... ۲۰۹
- استراتژی متفاوت حاجی پیشنماز و میرزا سعید سلماسی..... ۲۱۲
- تاکتیک حیدرخان عموغلی برای ترساندن مستبدین..... ۲۱۳
- ورود نیروهای کمکی سلماس به خوی..... ۲۱۴
- ورود دسته میرزا سعید سلماسی با ژون تورکها به سلماس..... ۲۱۴
- تلاش سعیدالممالک برای اتحاد عشایر سلماس با مشروطه خواهان..... ۲۱۵
- ورود اردوی سلماس به خوی..... ۲۱۵
- نگاهی به موقعیت جغرافیایی روستاهای حه شه ریت و سعید آباد محل
- شهادت میرزا سعید سلماسی..... ۲۱۷
- جنگ حه شه ریت و شهادت میرزا سعید سلماسی..... ۲۱۷
- خاطرات خلیل پاشا از جنگ ههشهریت خوی و ادامه آن..... ۲۱۸
- روزنامه مکافات درباره وقوع این جنگ چنین می نگارد..... ۲۲۸
- محل مزار میرزا سعید سلماسی در خوی:..... ۲۲۹
- اردوی حاجی پیشنماز..... ۲۳۰
- مقابله اردوی حاجی پیشنماز سلماسی با قوای رحیم خان قراچه داغی.. ۲۳۱
- آزادسازی طسوج بدست مشروطه خواهان سلماسی..... ۲۳۲
- «جانشانی مجاهدان به رهبری حاج پیش نماز آقا، برای باز کردن راه تبریز و نبرد آنها با سواران رحیم خان و تصرف طسوج..... ۲۳۲
- اوضاع سلماس در تلگرام به تهران..... ۲۳۹
- گزارش عروخان درباره مقابله با مشروطه خواهان..... ۲۴۰
- دستگیری محتشم السلطنه توسط امیر حشمت در سلماس..... ۲۴۰
- تلگرام صدر اعظم به عین الدوله در خصوص اوضاع خوی و سلماس و شرارت سپاهیان ماکویی..... ۲۴۴
- دستگیری محتشم السلطنه والی اورمیه..... ۲۴۶

تلگرام امیر امجد به عین الدوله در خصوص وضعیت اردوی خوی و	
عملیات کنسول عثمانی در آنجا.....	۲۴۷
نامه ستارخان به ابراهیم بیک رئیس اردوی ملی سلماس.....	۲۴۹
فصل پنجم: اشغال آذربایجان توسط روسها.....	۲۵۱
مجاهدان قفقاز و آیدین پاشا.....	۲۵۲
تلاش روسها برای سرکوب شورش اکراد.....	۲۵۳
گزارشاتی از تخطیات سیمیتقو در عثمانی.....	۲۵۵
آغاز انتخابات مجلس.....	۲۵۷
اختلاف مرزی ایران و عثمانی و درگیری امیرحشمت با عثمانی ها در	
سلماس.....	۲۵۸
عثمانی ها در سلماس.....	۲۵۹
کیفیت زد و خورد و جنگ امیرحشمت با قوای عثمانی ها در سلماس.....	۲۶۰
علت اختلاف عثمانی ها و امیرحشمت از نگاه محمدامین رسول زاده.....	۲۶۳
اخبارات خوی.....	۲۶۸
فتح تهران.....	۲۶۸
دستور دادن قشون به حاکم اورمیه برای تامین امنیت منطقه.....	۲۶۹
انتقال املاک محمد علیشاه در سلماس به دولت.....	۲۷۰
اعتراض تجار سلماس به پستخانه خوی.....	۲۷۰
نامه ای از معاون بلدیه سلماس به وزارت جنگ در باب آشوبهای منطقه	
سلماس.....	۲۷۱
دستور دولتی برای خلع سلاح مشروطه خواهان سلماس.....	۲۷۲
گزارش ناامنی گمرک خانه کهنه شهر.....	۲۷۴
احضار ستارخان و باقرخان به تهران.....	۲۷۴
گزارشهایی از انجمن سلماس از تابستان ۱۲۸۹.....	۲۷۴

- ۲۷۶..... شکایت اهالی مغانجوق سلماس از مالک روستا
- ۲۷۷..... درخواست آرامنه سلماس برای داشتن نماینده مستقل در انجمن
- ۲۷۸..... درخواست آمار سربازان از انجمنهای آذربایجان
- ۲۷۸..... قصد سالداتهای روسی برای ورود به سلماس
- ۲۷۸..... شکایت از دیوان خانه عدلیه ولایت سلماس
- ۲۷۹..... سرقت سی بار فرش مالالتجاره صدقیانی
- ۲۷۹..... کشته شدن آیدین پاشا به دست عمرخان شکاک
- ۲۸۰..... درخواست مادر ابراهیم آقا قارصی از مجلس
- ۲۸۳..... ادامه شورش اکراد
- ۲۸۳..... اعلام بودجه انجمنهای ولایات آذربایجان
- ۲۸۴..... دستور پرداخت حقوق ماهیانه به حاجی پیشنماز سلماسی
- ۲۸۴..... تصمیم انجمن ایلانی آذربایجان در باب حقوق اربابی قریه پکاجیک
- ۲۸۵..... درخواست اهالی روستای دره ملک از انجمن سلماس
- ۲۸۵..... درخواست اهالی قریه شکریازی از انجمن سلماس
- ۲۸۶..... شکایت از حکومت سلماس
- ۲۸۷..... احضار حاجی پیشنماز سلماسی به تبریز
- ۲۸۷..... شکایت مامورین نظامی سلماس از عدم پرداخت حقوق
- ۲۸۸..... تکلیف غله روستای مغانجوق
- ۲۸۸..... حقوق افواج اورمیه
- ۲۹۰..... درخواست بلدیہ سلماس
- ۲۹۰..... عزل مخبرالسلطنه والی آذربایجان
- ۲۹۱..... بازگشت بی نتیجه محمدعلیشاه به ایران
- ۲۹۱..... بررسی تعذبات مالک قریه پکاجیک
- ۲۹۱..... تلگرام معین السلطنه از سلماس
- ۲۹۲..... نظارت بلدیہ سلماس بر دکانین شهر

- شرایط وثوق الممالک برای گرفت حکومت سلماس ۲۹۳
- انتصاب وثوق الممالک به حکومت سلماس ۲۹۳
- انتصاب نایب رحیم به ریاست ژاندارمری سلماس ۲۹۴
- شکایت نظمیه سلماس از نرسیدن حقوق ۲۹۴
- نامه از طرف انجمن ایالتی آذربایجان به انجمن محترم سعادت در استانبول
درباره عمرخان شریفی ۲۹۴
- اضافه شدن پنجاه نفر به سواره لکستان ۲۹۵
- اخطار انجمن ایالتی آذربایجان به اداره مالیه و بلدیہ سلماس ۲۹۶
- دیر کردن حقوق پادگان سلماس ۲۹۷
- تلگرافی از شکست محمدعلیشاه به انجمن سلماس ۲۹۸
- پیگیری علت عدم عروست حاجی پیشنماز به تبریز ۲۹۸
- تبریک اعضای جدید انجمن سلماس ۲۹۹
- درخواست آمدن حاجی پیشنماز سلماسی به تبریز ۳۰۱
- فرمانفرما والی آذربایجان ۳۰۳
- محافظت از خسروآباد در برابر حملات اکراد ۳۰۳
- تصرف خوی بدست روسها ۳۰۳
- نامه انجمن ایالتی آذربایجان به اداره ژاندارمری سلماس ۳۰۴
- شکایت اهالی روستای سوره از اداره مالیه سلماس ۳۰۴
- شکایت تاجر سلماسی به انجمن ایالتی ۳۰۵
- اولتیماتوم روسها به دولت ۳۰۶
- میرزا محمود سلماسی مبارز شهید سلماسی ۳۰۷
- مهاجرت جمعی از مشروطه خواهان آذربایجانی از تبریز به سلماس ۳۰۸
- پناهنده شدن مجاهدان آذربایجانی به عثمانی ۳۰۸
- اشغال سلماس توسط روسها ۳۱۰
- سرکوب عشایر کرد توسط روسها ۳۱۰

- ۳۱۱..... اوضاع سلماس پس از قشون کشی روسها به آذربایجان
- ۳۱۱..... تخلیه مناطق مرزی ایران از سوی عثمانی ها
- ۳۱۲..... روسها سیمیتقو را تطمیع می کنند
- ۳۱۳..... تلاش برای همسو کردن عشایر غرب آذربایجان با روسها
- ۳۱۵..... ضمائ
- ۱) ابراهیم آقا قارصلی، آیدین پاشا و حسن بیگ سه برادر مبارز در انقلاب مشروطیت آذربایجان..... ۳۱۵
- ۲) مرتضی قلی خان اقبال السلطنه (سردار ماکو)..... ۳۳۶
- ۳) نگاهی به تاریخچه حزب و اتحاد و ترقی در عثمانی..... ۳۳۸
- ۴) مرحوم حاج میرزا عبدالکریم آقا پیش نماز..... ۳۴۱
- ۵) زین العابدین قمی بوف..... ۳۴۵
- ۶) میرزا صادق خان صادق الملک سلماسی..... ۳۴۹
- ۷) عبدالرزاق پیامیار اولین رئیس فرهنگ سلماس..... ۳۵۴
- ۸) عزت الله خان (عزو خان) ماکویی از سران ملتبدین مشروطیت..... ۳۵۷
- ۹) دکتر علی بیگ حسین زاده..... ۳۵۹
- ۱۰) عمر ناجی..... ۳۶۱
- ۱۱) محمد امین رسول زاده..... ۳۶۲
- ۱۲) میرزا جعفر رضائی دیلمقانی شاعر سلماسی..... ۳۶۴
- ۱۳) میرزا سعید سلماسی..... ۳۷۲
- ۱۴) میرزا محمود غنی زاده سلماسی..... ۴۴۳
- ۱۵) میرعیسی سعیدی خوبی..... ۴۵۹
- ۴۶۱..... تصاویر

مقدمه

تاریخ مشروطه خواهی آذربایجان در دوره قاجاریه شاید یکی از پیچیده ترین موضوعات مورد بحث تاریخ معاصر آذربایجان می باشد. پیچیدگی از این منظر که از جهت خواسته های عمومی، هم مشابهاتی با سایر « ممالک محروسه ایران » دوره قاجار داشت و هم تفاوت هایی بسیار با آنها. از آنجایی که نتایج این حرکات مردمی، سالیان بعد برای موقعیت آذربایجان بسیار ضرر بار گردید امروزه اعمال و رفتار فعالین آن دوران گاهی مورد مذمت قرار می گیرد حال اینکه تاریخ قابل بررسی فقط در زمانه خود می باشد.

در آذربایجان، تحولات منطقه ای ورود به قرن بیستم، بیشتر شدن رفت و آمد به استانبول و آذربایجان آنسوی ارس مخصوصا شهرهای باکو، گنجه، تیفلیس و ... به عنوان دروازه اروپا و مدنیت جدید و همچنین انباشته شدن مطالبات مردمی، سبب بروز مطالبات مردمی در قالب مشروطه خواهی شد. فرآیند گذار از سیستم حکومت مطلقه به سیستم تکثر قدرت و بیشتر شدن مطالبات اختیارات مردمی در اداره امور مملکتی (توسط نوگرایان و اندیشمندان) از سویی و دشمنی های فرقه ای- مذهبی (بابی ها و بهایی ها)^۱ و حتی قومی با قاجاریه ولو به صورت نامحسوس سبب شد تا موج

۱ برای اطلاع بیشتر ر. ج نبوی رضوی، سیدمقداد، تاریخ مکتوم: نگاهی به تلاشهای سیاسی فعالان

مشروطه خواهی جزو خواستهای اکثر اقشار مردم حتی در میان روحانیان دینی که از منظر محافظه کاری شاید با تحولات ارتباط مستقیمی نداشته باشند شود. این موج تحول به قدری قوی بود که حتی جمع کثیری از متنفذین ایل حاکم قاجاریه نیز در سلک مخالفین محمدعلیشاه قرار گرفتند. انگاشتن مشروطه خواهی در برابر دین و مذهب یکی از دلایل اصلی این مخالفت می باشد:

۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۷ / ۲۷ فروردین ۱۲۸۸ به دنبال فراگیر شدن مشروطه خواهی در عثمانی و پیروزی آنها در کسب قدرت، از محمدعلی شاه به عین الدوله در خصوص سرکوب مبارزات نیروهای مردمی در سراسر کشور و لزوم تسلیم سریع تبریز: « خبر رسیده این است که مینویسم در اسلامبول ده هزار عسکر و ۲۰ هزار جمعیت اطراف پارلمان عثمانی را گرفتند و توفیق پاشای صدر اعظم و ادهم پاشای وزیر جنگ و سایر وزرای مشروطه طلب و روزنامه نویس ها و معتمدین و بعضی از وکلا که تقریباً ۲۰ نفر می باشند مقتول کردند انجمن ها را غارت نمودند و پارلمان بسته شد. این است نتیجه هرج و مرج و فرنگی مآبی. در تمام شهر اسلامبول قرآن را در دست گرفته فریاد می کنند اجرای قانون قرآن را می خواهند. افسوس که ملت شیعه مذهب منکر قرآن شده و قانون کفر را مطالبه می کنند سبحان الله چه قدر جای تاسف است برای ما که هر قدر می خواهیم به مرحمت این کار تمام شود بیشتر زحمات مان زیاد می شود .. »^۱

نهضت مشروطه خواهی گرچه انقلابی طبقاتی نبود و تمام طبقات اجتماع از اشراف زاده و متمول و فقیر و تاجر در این فرایند شرکت داشت ولی استفاده از افکار چپی حاوی مضامین سوسیال دموکراسی و رفورمهای

ازلی در مخالفت با حکومت قاجار و تدارک انقلاب مشروطه، چاپ دوم ۱۳۹۶، نشر شیرازه، تهران

۱. جمشیدیان، سجاده، پروانه، نادر، روزشمار محاصره تبریز و اعاده مشروطه براساس اسناد منتشر نشده، انتشارات سفیر اردهال، تهران، ۱۳۹۵، ص: ۲۵۲

ریشه‌ای از این رویداد بسیار چشمگیر بود بطوریکه روزنامه پیکار چاپ آلمان در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۱۰ می نویسد: « انقلاب مشروطیت در تحت رهبری طبقه تاجر یا بورژوازی نوجوان ایران صورت گرفت ولی توده زحمتکش و دهاقین ایران همه جا از انقلاب پیروی نموده در پشت سنگرهای انقلابی تا آخرین نفس برای مبارزه با استبداد و دفاع از منافع بورژوازی ایران فداکاری نمودند.»^۱

مقالات مختلفه چاپ شده در جراید دوره مشروطیت آذربایجان درباره اساس مشروطه خواهی نیز حاوی نکاتی بود که گویای تقاضای اندیشه اصلاح طلبی در سیستم سنتی آن زمان آذربایجانیان، تقاضای « تعلیمات جدید » و مناسف شدن از اوضاع اسفناک ترکان آذربایجان در برابر اقوام دیگر بود. مانند مقاله زین

مصاحبه مخصوصه^۲

« دولت مشروطه بدون علم ممکن نیست اداره شود. هر قدر که زمان می گذرد احتیاج ایرانیان به علم شدیدتر خواهد شد هر قدر که ما جاهل بمانیم و بر طبق لزومات عصر، خویش را حاضر نکنیم همسایگان ما بالقوت علم شیرۀ حیات ما را مکیده و محتاج تر به خودشان خواهد ساخت. بعبارت ساده: مادامی که در حالت حالیه جهل و عمی خود باقی هستیم، با یک سعی و کوشش فوق الطافه تمامی عمرهای خود را باید کار کرده و محصول رنج دست خود را به دامن همسایگان عالم خویش داده و خودمان در پست‌ترین درکات نکبت و مذلت دست یازیم.

جای تعجب و حیرت هم نیست، چرا که این یک از بدیهیات و امیر

۱ نشریه پیکار چاپ برلین، شماره ۳، ۱ آوریل ۱۹۳۱ / ۱۱ فروردین ۱۳۱۰، ص: ۱

۲ نشریه فریاد، شماره پانزدهم سال اول، شنبه ۲۵ جمادی الاول ۱۳۲۵ / ۲۳ ایون ۱۹۰۷ / ۱۴ تیر

۱۲۸۶، ص: ۱ الی ۲

طبیعیه خلقت است، و از اول منیره عالم تا امروز و بعد از این در هر مورد، علم بر جهل چیره و غالب شده است و اگر گاهی این غالبیت بواسطه اعیان خارجی هم باشد، چون نیک ملاحظه نماییم موجبات همان اسباب خارجی باز هم علم است.

این مسئله چنان واضح است که وارسته ایضاح و استدلال می باشد، چنانکه از کودک دوساله هرگاه پرسیده شود مزیت علم را بر جهل تسلیم خواهد کرد. حرف ما در اینجا است که هرگاه در ادوار سالفه احتیاج مردم به علم یک درجه بوده است امروز صد درجه بیشتر است و هم چنین در اعصار لاحق، بدین نسبت احتیاج به علم افزوده خواهد شد.

دو سال قبل از این، هنگامی که بقیه السیف قوای بری و بحری دولت روس با یک شکست متحیرانه، از جلو ژاپونیان مجبور به رجعت قهقهری گردیدند، روزنامه حاج مسکو و پتربورغ نوشتند: که شکست دهنده ما، عساکر و استعداد ژاپونیان بود. بلکه مدارس عالیه مملکت ژاپون بود. بلی، این یک حقیقت تلخی بود که آن وقت در پیش چشم روس ها جلوه گر شد، و دانستند فساد و بطلان عقیده قبیله روس را که تا آن وقت نیک فریفته و گول خورده آن بودند.

این و امثال این حقایق مؤلمه قطعی هزاران هزار در پیش چشم ما است که در صورت مداومت این احوال، مرارت آنی را در مد انظار ما می گذارد فقط ما، خود در عالم دیگریم.

.....
بس است این ننگ و عار بجهته ماها که از جهالت خودمان سُخره یک مشت ارامنه هموطن خود واقع شده ایم.

بروید در دهات اطراف اورمیه و سلماس مدارس و مجالس، و قرائت خانه، و کتابخانه های آنان را ملاحظه نمایید و ببینید که ملت عالی و هشیار چه ها، چه کارها می کنند و بجهته جلو بردن عقب ماندگان برادران

ملت خویش، معنا و ماده چه فداکاری‌هایی غیورانه بروز می‌دهند...
گاهی که یک طفل سه چهار ساله ایشان را می‌خواهیم استجواب بکنیم همه جدیت و ذکاوت و هوشیاری، چون برمی‌گردیم جوانان بلندبالای خودمان را می‌بینیم در عین بطالت و سستی و بی‌خیالی، وقتی که از نقطه نظر علم اداره معیشت و صورت گذران یک نفر دهاتی زراعت کار عادی آنان را مشاهده می‌کنیم؛ همه انتظام و سادگی و نظافت، فی‌اللعجب!... که اداره بینیه یکی از ارباب مکنت و صاحب دارائیت خودمان را وقتی که مراجعت می‌کنیم یک درهم خوردگی و عدم انتظام و ترتیب منظورمان می‌گردد که چون اساس آن را جستجو کنیم و منشأ تضاد این دو معیشت را دست می‌بریم همان علم است و جهل که اولی‌ها عالم و دومی‌ها جاهل می‌باشند.

هنگام حکمرانی استبداد که تبعه اسلامی در تحت تضییق قوه ظالمانه حکام آه و این مظلومانه خود را هم آشکار نمی‌توانستند. جماعت ارامنه چون یک درجه عالم بودند بالنسبه آسوده می‌زیستند بالنسبه عرض کردم یعنی آن ظلم و ناروایی‌ها که از قوه حاکمه استبداد در حق تبعه اسلامی می‌شد به ارامنه نمی‌شد چرا؟ مسلمانان علم نداشتند.

بلی ارامنه بالنسبه آسوده می‌زیستند حالا بهرطور بود عونه استبداد از آنان ملاحظه داشتند. مگر در بعضی جاها که پای جوانان تربیت یافته ارامنه که در مدارس خارجه تحصیل نموده اند نرسیده بودی.

آیا انصاف است در دهات سلماس دهقانان ارامنه صاحب مدارس منتظمه عدیده و چندان باب قرائت خانه‌ها و کتابخانه‌های عمومی باشند ولی در نفس قصبه دلمقان^۱ اطفال ملت را در دکان بقالی محله تعلیم و تربیت نمایند. با این وضع‌ها حالا ایستاده ادعای شرف ملی و عزت قومی

هم داریم و همانا نمی دانیم که بی علم اگر اکسیر هم باشد به اندازه پاره سفالی شرف و شأن نخواهد داشت.....

جوانان ملت ارامنه مخارج مدرسه های خود را همه ساله از پاره چیزهای جزو هوا درمی آرند از قبیل (تیاتر) و (لاتری) و غیره بدین وسایط هم در خدمت به معارف و مدارس خود می کنند. و هم از جهة تهذیب اخلاق، نوع نوع نمونه های لطیف و مسجل به افراد ملت خودشان می نمایند.

چندی قبل در مجلس تیاتری که باز به متفعت میرسد ارامنه ارومیه ترتیب داده بودند مهارتی را که در علم نیاز (آفتوری) از جوانان شان دیدم حقیقه حیرت افزا بود.

البته می دانید این فن تا چه پایه استعداد را در خوراست.

درجه اتحاد و اتحادی ملی آن را نیز همه کس می داند. وقتی که در روسیه بیک نفر ارمنی ظلم و ستم بود شد در یک گوشه اروپا دل ارامنه ساکنین آنجا بدرد آمده و با فریادهای متظلمانه محافل رسمیه سیاسیه اروپا را بلرزه میارند. اساساً این اثر بیداری که حتی در وهاتیان ارامنه آذربایجان دیده می شود همه از اثر معاونت بزرگان و ارباب قدرت و استطاعت آنان است که از ممالک دوردست ذلت و مسکنت هم مذهبان خود را شنیدند و بی درنگ بمعاونت آنان شتافتند. اینک دهکده نیست که چند خانوار رعیت ارمنی در آنجا بوده و دو سه نفر جوانان معلم تحصیل یافته در مدارس خارجه میانشان نبوده باشد.

امروز نفس آذربایجان بدون حرف محتاج به یکصد باب مدارس ابتدائیه و رشديه^۱ است که باید امان و وکلا بدون اینکه دقیقه فوت نمایند دست بکار زده و در هر ولایت به اندازه وسع و اقتدار همان محل دو سه تا، هر

۱ در عثمانی به دبیرستان، رشديه گفته می شد.

عده که لازم است در افتتاح مدارس صرف مساعی نمایند.

فقط بدیهی است که اساس مدرسه با معلم قائم است تا برسیم اینجا قدری دچار مشکلات خواهیم بود این قدر معلم را از کجا باید جلب کرد. باز احتیاج شوم عرض اندام ناهنجار می کند. فقط چاره هم نیست احتیاجی که بجهه احتیاج بوده و خصوصاً بضروریات علمیه تماس می کند ما از جانش دوستش داریم و سرچشمش می نشانیم. بلی در استحضار معلم بجهه مدارس جدید خودمان هر چند که مشکلات در کار است، لکن در سایه همت و اندام این عقبه را هم به اندک زحمتی می توانیم گذشت. و در اندک زمان معلمین ماهر و کاردان اولاً از داخله مملکت خودمان از طهران و سایر نقاط حتی المقبول و در صورت عدم امکان از قفقاز و استانبول می توانیم در وقت لزوم فوج فوج حاضر نماییم.

بلی بجهه ابراز خدمات تصفیه بدین و وطن خودمان لابد از اینگونه اقدامات نفیسه هستیم نوسالان معصوم خود را تربیت و تعلیم نماییم. معارف را تعمیم کنیم. علوم متدارک جهان را بیاد بگیریم عالم گردیم. ثمرات مساعی خود را درجینیم. این است خدمات حقیقه.

که باید بکند؟

این یک سوالی است مقدر ایشان در عالم خیال. کاشانه سعادت خود را هر چه بخواهد آب و رنگ لطیف می دهد. لکن وقتی که کار رنگ حقیقت گرفت آن نقشه خیالی برهم می خورد. بلی این خدمات حقیقه را که باید بکند؟ این سوال هر گاه بما توجیه شود یک جواب عرض خواهیم کرد: رجال حقیقه!

چنانکه مدتی است ایرانی ها در هر مورد تصفیه امور دایر به عمومیت خود را از اعضای محترم انجمن های جز و کل خواستار بوده اند، در این مورد هم از حضرات ایشان و رؤسای ولایات و ارباب همت و غیرت چشم دارند. البته ایشان پدران معنوی رعیت می باشند. چنانکه اولاد همه چیز را

از پدر خود می خواهد عموم اهالی ایران و بالخاصه خوردسالان نوآموز ایران نیز از میان همان کثافت محیط مدرسه های امروزی با دل تنگ و رخسار زرد چشم امید با نذورات بلند همت دوخته و فریاد می کنند:

ما مدرسه می خواهیم!....

ما تعلیمات جدید می خواهیم. م.غ^۱

هر چه باشد مشروطه خواهان طالب زندگی بهتری بودند ولی متاسفانه طوفان حوادث دنیای خارج آذربایجان از یک سو و از سوی دیگر قرائت متفاوت غیر آذربایجانیان از مشروطیت، این خواسته را تحت الشعاع خود قرار داد و ممالک محروسه ایران با آن همه زیبایی به کشوری با سیستم حکومتی مکانیکی و سرکوبگر فرهنگهای زنده و پویا تبدیل شد که امروزه نیز دردسرهای آنرا می کشیم چرا که در تاسیس ایران نوی سال ۱۹۱۰، تفکر حق طلبانه آذربایجان حضور نداشت. به قول کسروی «اینکه ایرانیان با آن دلیری محمدعلی میرزا را زنداختند و دوباره مشروطه را برپا نمودند ولی نتیجه آن جز گرفتاری کشوری بود و از سال ۱۲۸۸ تا ده و اند سال ایران بدترین زمان را پیمود یکی از جهت های بزرگ آن تلاش های سودجویانه همین کسان می باشد»^۲.

دوباره تاریخ مشروطیت در آذربایجان دهها کتاب نوشته شده ولی آنچه که مهمتر هم می نماید توجه بیشتر به تاریخ میکروی مشروطه در شهرها و قصبه های آذربایجان می باشد که ماهها و سالهای متمادی برای نیل به اهداف مترقی جانفشانی کردند.

این کتاب شرح جانفشانی های مردمی در یک شهر کوچک اما تاثیرگذار در مشروطه خواهی می باشد که علیرغم نثار جان و مال شان برای کل هموطنانشان اکنون در سایه غفلت، ندانم کاری و بی توجهی هموطنانشان،

۱ منظور میرزا محمود غنی زاده سنماسی می باشد.

۲ کسروی، احمد، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۷۸، ص: ۲۱

فقط پس از گذشت یکصد و پانزده سال از جانفشانی‌هایشان، این اقدامات مهمه توانست در این کتاب منعکس گردد.

بدینوسیله از کلیه عزیزانی که در تدوین این کتاب نقشی داشته‌اند تشکر می‌نمایم. همچنین تشکر ویژه از آقای رضا همراز بخاطر یادآوری پاره‌ای مطالب و آقای دکتر سیدمرندی بخاطر ارسال اخبار سلماس مندرج در نشریه مکافات چاپ خوی.

دکتر توحید ملک زاده - اورمیه^۱

مرداد ۱۴۰۰

www.ketab.ir

^۱ tohidmelikzade@yahoo.com